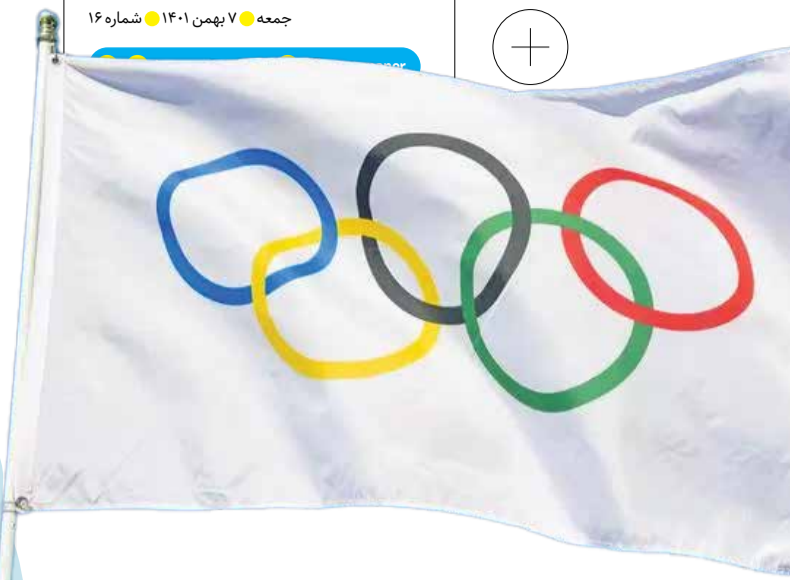


هر آنچه که در رابطه با ورزش می‌خواهید بدانید



پرچم سفید

در المپیک ۲۰۱۶ افضاح تقسیم مدال‌ها در رشته وزنه‌برداری چنان جهانی شد که روی دوپینگ در این رشته را سفید کرد. در دهه ۸۰ همواره وزنه‌برداران و قهرمانانی که از بلوک شرق می‌آمدند متهم به دوپینگ سازمان یافته می‌شدند، تا جایی که هنوز هم بعد از سی سال این روش‌ها برای دیگر کشورها قفل است!



ورود جیمز باند به المپیک

سال ۲۰۱۲ لندن تبدیل به اولین شهری شد که برای سومین بار میزبان المپیک می‌شود (رکوردی که در ۲۰۲۸ لس آنجلس به آن خواهد رسید) مراسم افتتاحیه این المپیک به ظاهر با استفاده «سم مندر» کارگردان مشهور هالیوودی قرار بود حال و هوای سینمایی داشته باشد اما سناریوی انتخاب شده در همان سینما هم به سیاسی‌ترین زائر مشهور است! جاسوسی که «ایان فلمینگ» در زمان جنگ سرد ابداع کرد، در دهه ۶۰ زائر محبوب امپراطوری سینما شد و تا امروز هم سند برتری بریتانیا باقی مانده که همیشه آنها آزادی و دنیا را نجات می‌دهند!

تغییر نقشه جهان و نقش ورزش

دهه ۹۰ میلادی دهه جنگ‌های پارتیزانی در گوشه کنار دنیا شد. همه چیز از فروپاشی شوروی آغاز شد، تولد ۱۵ کشور جدید که جمهوری‌های شوروی سابق بودند و در المپیک ۱۹۹۲ بارسلون با عنوان «کشورهای متحد مشترک المپیک» زیر یک پرچم موقت شرکت کردند اما برای المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا دیگر هر کشوری با پرچم خود و با سرود جداگانه به خانواده المپیک پیوسته بود. دیگر اثری از آلمان شرقی و آلمان غربی نبود و دیوار برلین برای همیشه فرو ریخته بود. مسیری که در اتحاد دو آلمان رخ داد، در یوگسلاوی و چکسلواکی به صورت برعکس پیش رفت! کشور یوگسلاوی به جمهوری‌های مختلفش تقسیم شد و رئیس جمهور وقت صربستان «اسلوبودان میلوسویچ» با حمله نظامی به کوزوو و بوسنی، جنگی خونین و نابرابر به راه انداخت که بعدها به خاطر همان جنایتکار جنگی شناخته و به زندان رفت.



فروش آبروی المپیک به کوکاکولا!

یکی از مشهورترین اقدامات سیاسی در ورزش دهه ۹۰ تغییر میزبانی المپیک ۱۹۹۶ بود. از دهه‌ها قبل همه دنیا باور داشتند که همزمان با صدمین سالگرد تولد المپیک، باید این مسابقات در آتن برگزار شود. همان‌طور که دهمین سالگرد المپیک - در سالی که سال برگزاری مسابقات نبود - در همین مکان گرفته شده بود. در حالی که یونانی‌ها خود را برای ساخت تأسیسات ورزشی جدید آماده می‌کردند و همه دنیا مشغول گشتن در هتل‌ها و راه‌های اقامتی یونان بودند، ناگهان پیروزی پول بر خواست عمومی اعلام شد! قدرت‌نشینان پشت پرده که شرکت‌های چند ملیتی بزرگ را در اختیار دارند و اسپانسر کمیته بین‌المللی المپیک بودند، حرف خود را به کرسی نشاندند و آبروی ورزش پای پول پرستی ذبح شد. تلویحا گفته شده بود که اگر برخلاف خواست آنها میزبانی قرار باشد به جای دیگر برسد، آنها پولی برای برگزاری المپیک و گذران امور نهادهای بین‌المللی نخواهند داد! در نتیجه زادگاه کوکاکولا در ایالت جورجیا به زادگاه المپیک پای کوه المپ و ویرانه‌های آکرولیس، پیروز شد تا المپیک ۹۶ به آتلانتا برسد!

آرامش قبل طوفان

المپیک‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ در ظاهر آرام برگزار شد اما در اصل آتش زیر خاکستر بود و آرامش قبل از طوفان! هرچقدر روی رکوردهایی که «یوسین بولت» یا «مایکل فلیس» روی زمین و در استخر شنای المپیک آفرینند، مانور شد اما همه دیدند که چطور نگاه‌های سیاسی مانع از حضور ورزشکاران بود یا بالعکس؛ به حضور ورزشکارانی در راستای منافع سیاسی کمک می‌شد! مسیری که در دهه دوم هزاره سوم شکل کاملاً قانونی به خود گرفت و از آن پس از کمیته المپیک همواره ورزشکارانی را رأی و بدون اینکه در سطح المپیک باشند یا توانایی رقابت با سایرین را داشته باشند، به این تورنمنت بزرگ دعوت می‌کنند! اختراع کارت سفید به همین منظور بود و عجیباً که همواره ورزشکارانی تحت پرچم المپیک و باین کارت مجوز حضور پیدا می‌کنند که کشورهای غربی با حاکمیت رسمی و قانونی آن کشورها مشکل دارند!



ایران و خط سوم

کشور ما ایران هم هر دو المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس آنجلس را تحریم کرد، اما نه به دلیل همراهی با بلوک شرق یا بلوک غرب و دقیقاً چون هر دو المپیک را تحریم کردیم دیگر کسی نتوانست انگ طرفداری یا تمایل به یکی از دو قطب بزرگ دنیا را به ما برزند. ما المپیک ۱۹۸۰ را به خاطر حمله روس‌ها به افغانستان تحریم کردیم، در دفاع از ملت مظلوم افغانستان که کشوری مسلمان است و البته هم‌زبان با ما ایرانی‌ها. پس از آن ایران درگیر جنگ نابرابر و تمیلی شد که همه دنیا پشت صدام ایستادند تا به کشورمان حمله کند و به طور طبیعی جوان‌هایی که باید دنبال ورزش می‌رفتند، دفاع از میهن را انتخاب کردند و به جای بالا بردن پرچم ایران در میادین ورزشی، با خون خود اجازه ندادند یک وجب از خاک کشورمان از بین برود، به طوری که امروز نام این قهرمانان واقعی خود برمی‌گشت.

تنگ ۲۰۲۰

وقتی در المپیک ۲۰۲۰ توکیو ورزشکارانی از جمله از ایران - که ترک تابعیت کرده و مقابل حکومت قانونی کشورشان ایستاده بودند - با حمایت مستقیم نهادهای بین‌المللی و کمیته المپیک تحت پرچم سفید وارد مسابقات شدند و چه تلاش‌هایی در برنامه‌ریزی جدول صورت گرفت تا مثلاً کیمیا علیزاده تحت هر شرایطی مقابل ناهید کیانی قرار بگیرد، دم خروس بیرون زد و دیگر کسی قصه انسان‌دوستی را هم مثل «ورزشی نگاه کردن» و «جدایی ورزش از سیاست» را باور نکرد. استخدام بادیگارد برای این ورزشکاران و دخالت پلیس برای رفت آمد آنها به میدان مسابقه، اگرچه به بهانه حفظ امنیت بود اما تا حدودی ترس از شکل حمایت از یک ورزشکار تلقی شد که با روح رقابت برابر و عادلانه در المپیک کاملاً مغایرت داشت. در همین المپیک توکیو، روسیه که به خاطر دوپینگ سازمان یافته محروم شده بود، بدون سرود و پرچم قهرمانانش را در مسابقات شرکت داد که البته مدال‌های زیادی هم گرفتند اما کیست که نداند برای یک ورزشکار بزرگترین افتخار به اهتزاز درآوردن پرچم کشورش و نواخته شدن سرود ملی کشورش است. یک ورزشکار برای کسب یک مدال تمام عمر تمرین نمی‌کند و عرق نمی‌ریزد. پول هم اولویت او نیست، وسیله‌ای است برای بهبود سطح کیفیتش و تمرکز روی ورزشش. وقتی بزرگترین هدف را از او می‌گیرید دیگر چیزی از ورزش و ورزشکاری باقی نمی‌ماند و به این ترتیب المپیک در هزاره سوم تبدیل شد به جولانگاهی برای عروسک‌هایی که تنها برای پیشبرد اهداف سیاسی امپراطوری غربی وارد عرصه می‌شدند. درست مثل «مانکن»‌هایی که برای نمایش لباس در فشن شوها روی سطحی براق و مقابل آینه‌ها قدم می‌زنند و زست می‌گیرند، خالی از هویت، بدون محتوا و صرفاً یک مانکن...



خون...

کاملاً مشخص بود که جهان در دهه هفتاد میلادی آریستن حوادث بسیاری است. سه المپیک پرهیاهو در دهه ۶۰ این ذهنیت را به همه داده بود که منتظر اتفاقات بزرگتر باید بود اما کمتر کسی فکر می‌کرد در همان المپیک ۱۹۷۲ این چنین دنیا کن فیکون شود! در مونیخ و در حالی که «مارک اسپیتز» شناگر یهودی آمریکایی به تنهایی با کسب ۷ مدال طلا رکورد تاریخ تا آن روزگار را شکست، ناگهان صبح یک روز تیترا اخبار جهانی تغییر کرد و با حمله چریک‌های فلسطینی به خوابگاه ورزشکاران اسرائیلی و گروگان گرفتن آنها دنیا تکان خورد. همه داستان‌های «چگوارا» و ماجراهای «کارلوس» را فراموش کردند. پس از چند روز زد و خورد سرانجام با حمله پلیس آلمان غربی و کشته شدن چریک‌ها و البته گروگان‌ها ماجرا تمام شد اما نهالی که با خون آبیاری شد خیلی زود جوانه زد و نقشه سیاسی دنیا را تغییر داد. در پایان این دهه دیگر اثری از پادشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران روی نقشه سیاسی دنیا نبود و با تولد جمهوری اسلامی، مظلومان فلسطینی حامی قدرتمندی پیدا کرده بودند. حالا یک دولت به شکل رسمی پشت حقوق آنها ایستاده بود...

تحریم وارد می‌شود

دهه ۸۰ میلادی روی کاغذ سه المپیک داشت و دنیا امیدوار بود با پیشرفت تکنولوژی‌ها توجهات بیشتری به پخش تلویزیونی و این مسابقات جلب شود اما در عمل دقیقاً برعکس شد! المپیک ۱۹۸۰ در مسکو برگزار می‌شد و کشورهای غربی در اعتراض به حمله ارتش سرخ به افغانستان و اشغال این کشور حضور در المپیک را تحریم کردند. نخستین ورود کامل سیاست در ورزش... دیگر ماجرا از حد اعتراض یک ورزشکار یا انتساب رفتارهای سیاسی به تفکرات و عقاید جناحی گذشته بود و آمریکا با کمک اقمارش المپیک را تحریم کرد تا این پیام را به دنیا مخابره کند که ورزش زیر مجموعه سیاست شده است. چهار سال بعد المپیک در لس آنجلس برگزار می‌شد و این بار نوبت شوروی و اقمارش در بلوک شرق بود که مقابله به مثل کنند. البته کشوری مثل رومانی در المپیک شرکت کرد اما عدم حضور ابرقدرتی چون شوروی مسابقات را از سکه انداخت. قهرمان ادوار قبلی بازی‌ها حالا به مسابقات نیامده بود و فرصت برای آمریکا ایجاد شد که آقایی خود بر ورزش جهان را اثبات کند. غیبت کشورهای دیگری مثل بلغارستان نیز که در برخی رشته‌ها همچون وزنه‌برداری یا کشتی قهرمانان بزرگ داشتند، باعث شد این المپیک به طور کلی از سکه بیفتد. حالا دیگر دنیا به طور رسمی وارد جنگ سیاسی در المپیک شده بود، تناقضی بزرگ با آنچه مقامات سیاسی دو ابرقدرت در دهه ۶۰ میلادی و در توضیح غیبت چین به دنیا می‌گفتند! «نیکسون» با فرستادن تیم پینگ پنگ آمریکا به چین استراتژی استفاده از ورزش در سیاست را به طور رسمی وارد کتاب‌های دانشگاهی کرد و چین از المپیک مونترال گام به المپیک‌ها گذاشت و امروز می‌بینیم که قدرت اصلی ورزش دنیاست اما آن روز ابرقدرت‌ها ثابت کردند که حرفه‌پاشان صرفاً موضعی در آن لحظه و بر پایه منافع است و هیچ اعتقاد و باوری پشت آن نیست و هر لحظه ممکن است تغییر کند.